

اجتماع کارگران نفت در تهران

افزایش دستمزدها - لغو خصوصی سازی - حق سلامت و واکسیناسیون

اعلامیه حزب حکمتیست

اجتماعات سراسری و پرشور بازنشستگان برگزار شد!

دستگیری‌های اخیر در کردستان

دست سرکوبگران از زندگی مردم کوتاه!

اهمیت اجتماع سراسری بازنشستگان

صفحه ۶

سعید یگانه

جامعه آزاد مقدسات ندارد!

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

جنگ است اسماعیل، نفت از کنار حجره‌ها بالا می‌آید

صفحه ۸

جاوید حکیمی

اطلاعیه مشترک

دستگیری‌های گسترده در کردستان،

ضرورت اقدام جمعی بر علیه آن!

قطعه‌نامه‌های تجمعات ۷ بهمن بازنشستگان

اجتماع و اعتراض کارگران فولاد اهواز

۵۸۰

مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۰ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۹ ژانویه ۲۰۲۱

برجام تمام شد،

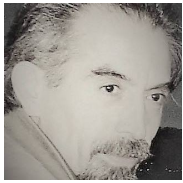
مسئله جامعه سرنگونی است!

جمهوری اسلامی انتخاب بایدن را عاملی برای فرصت خریدن و بقای نظام می‌بیند. اظهارات مقامات دولت جدید آمریکا، سران دول اروپائی، رئیس اتحادیه اروپا و روسیه در مورد "احیای برجام" بار دیگر امیدها و توهمات را دامن زده است. جمهوری اسلامی از همه مشتاق تر هم شعار میدهد و هم برای بازگشت به برجام لحظه شماری می‌کند. آنچه طرفین بعنوان شرط و پیش شرط و غیره می‌گویند، ثانوی تر است. آنچه مهم است امید جمهوری اسلامی و طرفهای برجام به آغاز مجدد دور دیگری از سازش با جمهوری اسلامی از دریچه برجام برای مسائل بنیادی تر و استراتژیک تر منطقه ای است.

ابتدا این توهمات را که گویا احیای برجام براساس "توافقی محکم و طولانی" سرمایه‌ها را به ایران سرازیر میکند و به این اعتبار نوعی گشایش اقتصادی و ایجاد کار و غیره در چشم انداز است، باید دور ریخت. بازسازی سرمایه داری ایران در گرو مسائل بمراتب تعیین کننده تر در منطقه است و مهتر جمهوری اسلامی رژیم سیاسی ناظر بر این بازسازی نیست و نخواهد بود. ما قبل از برجام اعلام کردیم که از برجام و رفع تحریمها و ارسال هواپیمای دلار چیزی عاید مردم ایران و طبقه کارگر

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



جستجو می کند و جامعه در کشمکش برسر گرفتن نفس جمهوری اسلامی و به زمین کوبیدن مرتجع ترین حکومت سرمایه داری است.

اما دیر است، احیای برجام هم بدادتان نمیرسد، حکومت اسلامی نیز چنین فرجه ای ندارد، جامعه نیز چنین فرصتی را نمیدهد. یادتان باشد که خیزش میلیونی دیمه نود و شش در اوج توافق برجام به صحنه آمد. امروز بعد از پشت سر گذاشتن آبان نود و هشت و خروش طبقه کارگر در چهارگوشه ایران، آویزان شدن به برجام و تبلیغات کذب حول آن بی خاصیت است؛ شیپور را از سر گشاد زدن است. سرنوشت جامعه ایران را توافق بین حکومت اسلامی و آمریکا رقم نمیزند، سیاست ایران را کشمکش جاری طبقاتی و اوج یابنده و جدال برای سرنوشتی انقلابی رقم میزند.

سردبیر.

۲۸ ژانویه ۲۰۲۱

برجام تمام شد،

مسئله جامعه سرنوشتی است ...

نمیشود و نشد. احیای مرده برجام به طریق اولی سرنوشت بهتری نخواهد داشت.

مسئله کارگران و مردم آزادیخواه ایران پروژه اتمی و موشک سازی و توافق برسر برجام نیست، بلکه کار و برخورداری از معیشت در شأن انسانی، سلامتی و بهداشت و درمان، حقوق پایه ای انکار ناپذیر فردی و اجتماعی است. یعنی تمام آنچه که جمهوری اسلامی از یک جامعه سلب کرده است. مسئله آگاهانه جامعه ایران سرنوشتی تمام و کمال این حکومت است. بازگشت آمریکا به برجام و رسیدن به هر توافقی با جمهوری اسلامی، صورت مسئله اساسی جامعه ایران را جواب نمیدهد. جمهوری اسلامی در احیای برجام دریچه های تنفس و بقا را

واکسن بخرید!

واکسیناسیون همگان وظیفه دولت است!

تامین واکسن کرونا وظیفه فوری دولت است. این اولویت اورژانسی هر دولتی است. هیچ مانعی برسر راهتان نیست. نعل و بهانه جوئی برای تهیه واکسن سازماندهی کشتار جمعی است. حکومتی که عرضه تامین این بدیهی ترین و ساده ترین نیاز همگانی را نداشته باشد فوراً گورش را گم کند. مقامات آن باید استعفا دهند و محاکمه شوند. برای دستگاه خرافه و ماشین سرکوب و تروریسم پول دارید اما برای میلیونها بیمار و دهها میلیون انسان در معرض خطر پول ندارید! دروغ می گوئید. با جان مردم بازی می کنید. این اقدام یک جنایت آشکار دولتی علیه ساکنین ایران است.

تامین و ارائه سریع واکسن رایگان با استاندارد سازمان بهداشت جهانی حق فوری کلیه ساکنین ایران است. واکسیناسیون همگان وظیفه فوری دولت است! این خواست طبقه کارگر است!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

مرگ بر جمهوری اسلامی!

بر حق تشکل و اعتصاب تاکید کردند و خواهان تشکلهای مستقل کارگری و برسمیت شناخته شده و حق اعتصاب و اعتراض هستند.

این اجتماع و خواستههای آن تداوم اعتصابات مرداد ماه است که بیش از ۲۵۰۰۰ کارگر در آن شرکت داشتند و با فریب و وعده وعید کارفرمایان بصورت تکی و شرکتی پایان یافت اما هیچکدام از خواستههای اساسی کارگران محقق نشد. کارگران رسمی، پیمانی و قراردادی صنعت نفت در بیابیه و فراخوانی که منتشر کردند لیستی از خواستههایشان را طرح کردند که مهمترین و محوری ترین آنها عبارتند از:

۱ - تبدیل قراردادهای موقت و پیمانی به قراردادهای دائم. ۲ - افزایش حقوقها به بالاتر از خط فقر (۱۲ میلیون تومان)، هیچ کارگری نباید کمتر از ده میلیون مزد دریافت کند. ۳ - پرداخت به موقع حقوق، پرداخت فوری مطالبات معوقه. ۴ - برخورداری کارگران موقت و پیمانی از امکانات درمانی وزارت نفت به طور رایگان. ۵ - رعایت پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی در مقابله با کرونا، واکسیناسیون رایگان و همگانی با خریداری واکسن مورد تأیید این سازمان. ۶ - پایان دادن به فضای امنیتی در صنعت نفت. ۷ - به رسمیت شناختن حق اعتصاب، تشکل و تجمع کارگران.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مبارزه و اتحاد و آگاهی کارگران نفت درود میفرستد و قاطعانه از آن حمایت می کند. اتحاد کارگری تنها راه پیشروی و تحقق خواستههای کارگران است. ما کارگران نفت و صنایع تابعه را به تشکیل مجامع عمومی کارگری در هر شکل ممکن دعوت میکنیم. مجمع عمومی رمز ایجاد وحدت گسترده میان کارگران، ابزار دخالت توده کارگران در امر خویش و تقویت اتحاد کنونی است. درود بر رزم و اتحاد کارگران نفت!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۵ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۴ ژانویه ۲۰۲۱

اجتماع کارگران نفت در تهران

افزایش دستمزدها - لغو خصوصی سازی - حق سلامت و

واکسیناسیون

روز شنبه ۴ بهمن در تهران، بیش از هفتصد نفر از کارگران نفت مقابل وزارت نفت اجتماع کردند. در آغاز این تجمع پلیس به گروهی از کارگران که زودتر به محل رسیده بودند حمله کرد و دوازده نفر از آنان را با ضرب و شتم بازداشت کرد که حوالی عصر با تعهد و تلاش همکاران آزاد شدند.

یک نقطه قدرت این تجمع اتحادی بود که بین کارگران رسمی و پیمانی و قراردادی شکل گرفت و پیگیری متحدانه خواستههایی که در اعتصابات مرداد ماه طرح شده بود. این اتحاد بین کارگران با موقعیت شغلی و قراردادهای مختلف، خواست بهبود و ارتقای دستمزدها و امنیت شغلی همه کارگران، دقیقاً اهداف ضد کارگری کارفرمایان و شرکتهای پیمانی را هدف قرار میدهد که کاهش عمومی دستمزدها و ارزان تر کردن مرتب نیروی کار ارزان فعلی را هدف خود قرار داده است. کارگران نفت خواهان افزایش دستمزدها به ۱۲ میلیون تومان هستند.

یک خواست مهم دیگر این اجتماع پایان دادن به خصوصی سازی در صنعت نفت و تبعات آن مانند شرکتهای پیمانی، قوانین برده وار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، اخراج ها، ناامنی شغلی و ایجاد تفرقه میان کارگران است. نبرد علیه خصوصی سازی در صنایع مهم ایران هر روز گسترده تر میشود و این یکی از تاکتیک های مهم جنبش کارگری در کشمکش جاری طبقاتی در ایران است. و بالاخره اعتراض به فضای پادگانی در صنایع نفت و گاز و ممنوع بودن هر نوع تشکل و سازمان کارگری، یک ستون مهم خواستههای کارگران نفت است. کارگران نفت

واکسن کرونا: فوری - رایگان - همگانی

به نقل از؛ کانال مستقل کارگران هفت تپه

مسئول نابودی و تخریب طبیعت و جامعه، سرمایه داران و دولتها هستند. کارگران اما تاوان هر سیاست غیر مسئولانه و سودپرستانه را می پردازند. سرمایه داران در کاخ هایشان نشسته اند، به بیشترین امکانات درمانی و پزشکی دسترسی دارند، کارگران اما باید آنها را تر و خشک کنند. سرمایه داران بیمارستان و امکانات و تیم پزشکی را به منزل می آورند، کارگران اما باید سپر بلا شوند و بیشترین تلفات را بدهند. ممانعت از واکسیناسیون شهروندان، اقدام به کشتار محرومان در میدان مین کرونا است.

دولت حق ندارد شعار بدهد و شانه بالا بیاندازد و از جان ما مایه بگذارد. حاکمیت و مجموعه ای که قدرت و همه چیز را در دست دارد، مسئول مستقیم وضعیت کنونی است. دولت حق ندارد شهروندان یک کشور را به مرگ دستجمعی محکوم کند. هیچ حکومتی حق ندارد ساکنین یک سرزمین را از حق زندگی و امرار معاش محروم کند. هیچ قدرتی حق ندارد عقاید شخصی خود را بر منافع ساکنین یک کشور ترجیح دهد.

دیگر بس است. در ایندوران سخت که حاکمان در اتاق های شیشه ای و کاخ های خود پنهان شده اند، کارگران در خط مقدم جبهه کارخانه ها و بیمارستانها ناکنون جنگیده اند. سیاست دولت و سرمایه داران تشدید بیکار سازی و تحمیل فقر و گرسنگی بود. سهم ما تاکنون سرکوب و مرگ و میر بیشتر بوده است.

کارگران هفت تپه همراه با طبقه کارگر خواهان تامین فوری واکسن تأیید شده توسط مراکز بهداشتی معتبر جهانی، ارائه رایگان برای همه ساکنین کشور با اولویت بخشهای آسیب پذیر هستند.

#واکسن_استاندارد_رایگان_همگانی

مجمعی از کارگران هفت تپه در بخشهای مختلف

۳۰ دیماه ۱۳۹۹

اعلامیه حزب حکمتیست

اجتماعات سراسری و پرشور بازنشستگان بر گزار شد!

اخبار تاکنون رسیده، حاکی است، فراخوان سراسری از قبل اعلام شده، تحت نام "تجمع بزرگ بازنشستگان و مستمری بگیران اجتماعی، برای دست یابی به مطالبات و حقوق از دست رفته"، در تهران جلو "وزارت تعاون و رفاه اجتماعی" و در مقابل مراکز "تامین اجتماعی" شهرهای تبریز، کرج، رشت، سنندج، ساری، خرم آباد، نیشابور، ایلام، اراک، اهواز، شوش و هفت تپه، قزوین، مشهد، کرمانشاه، اصفهان، کرمان با اجتماعات پرشور و حق طلبانه برگزار شده است. شرکت کنندگان در این تجمعات، با سردادن شعارهای، "فریاد فریاد، از این همه بیداد"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "ظلم و ستم کافی به، سفره ما خالی به"، "سفره هامان خالی، وعده وعید کافیه"، "تاحق خود نگیریم، از پای نمی نشینیم"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است" و در سخنرانیهای متعددی که ارائه شد، عمق اعتراض تلخبار شده بازنشستگان و حقوق بگیران تحت فشار فقر، گرسنگی و بیماری و بیکاری و شرایط سخت زندگی را با اراده محکم و صدای رسا اعلام کردند.



اجتماعات اعتراضی و سراسری امروز علیه گرانی و تورم و پایین بودن قدرت خرید بازنشستگان و پایین بودن حقوقهای چند بار زیر خط فقر مزدبگیران و مستمری بگیران، در واقع صدای اعتراض میلیونها مزدبگیر و حقوق بگیر و بازنشسته علیه شرایط سخت معیشتی است که دولت جمهوری اسلامی به بخشهای وسیع چند ده میلیونی انسانهای کارکن در جامعه تحمیل کرده است. اعتراضات پرشور امروز نشان داد، بازنشستگان و کارگران و معلمان و دیگر بخشهای زیر فشار سخت معیشتی و اقتصادی در ایران، بیش از این اجازه نخواهند داد، حکومت سرمایه و زالوصفتان از محدودیتهای دوره کرونا برای تحمیل گرسنگی و مرگ تدریجی استفاده کنند و با خروش اعتراضی خود همانطور که شعار دادند "تا گرفتن حقوقمان از پای نمی نشینیم" واقعا از پای نمی نشینند. تجمعات سراسری و هماهنگ و متحدانه امروز نشانه عزم و اراده محکم برای گرفتن حقوق از دست رفته و تامین معیشت آتی زندگی محرومان جامعه است. در اجتماع تهران و بعضی شهرستانها قطعنامه چند ماده ای علیه فقر و گرانی و تبعیض و نابرابری و بیحقوقی قرانت



شد. تجمعات همگام و متحدانه امروز تجربه مهمی برای گسترش اعتراضات سراسری کارگری و توده ای در سراسر ایران است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، به سازماندندگان و شرکت کنندگان در اجتماعات پرشور و قدرتمند و موفقیت آمیز امروز بازنشستگان درود میفرستد. ما بسیار خرسندیم، که فراخوان به "تجمع بزرگ بازنشستگان و مستمری بگیران اجتماعی، برای دست یابی به مطالبات و حقوق از دست رفته" با جسارت و اتحاد و همبستگی واقعا عملی شد. بازنشستگان و شرکت کنندگان و حامیان وسیع تجمعات اعتراضی امروز راه گسترش مبارزات برحق جاری برای گرفتن حقوقهای از دست رفته و علیه وضع موجود و علیه حاکمان سرمایه و جمهوری اسلامی را نشان دادند. این مسیر مبارزاتی را با گامهای محکمتر، آگاهانه تر و سازمانیافته تر میتوانیم و باید طی کنیم.

درود بر اجتماعات پرشور و سراسری بازنشستگان
مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
هفتم بهمن ۱۳۹۹ - ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱

**دولت موظف به تامین نیازهای
معیشتی، درمانی و بهداشتی
شهروندان در شرایط گسترش پاندمی
کرونا است!**

رژیم ارتجاعی در محاصره نفرت و اعتراض مداوم قرار گرفته است، ترس رژیم از شعله ور شدن اعتراض، او را به تکاپوی اقدامات پیشگیرانه و ایجاد رعب و وحشت انداخته است. این یکی از تاکتیک‌های شناخته شده جمهوری اسلامی در همه جای کشور است. اما دوران عوض شده است و ترس رژیم از تعرض مردم پنهان شدنی نیست. جوانان و فعالین را دستگیر می کنند اما از رسانه ای کردن آن وحشت دارند. معترضین را اعدام می کنند اما بستگانشان را با تهدید از مراسم خاکسپاری برحذر می دارند.

کارگران، مردم زحمتکش! جوانان آزادیخواه!

همه جا، در کردستان و خارج از کردستان باید علیه موج دستگیری‌های اخیر صدای اعتراض خود را بهر شیوه ممکن بلند کنیم. این دستگیری‌های پیشگیرانه ناشی از ترس رژیم از بمیدان آمدن شماسست. نیروی متحد شما در شرایط حاضر می تواند فرزندانان را از چنگ رژیم سرکوبگر اسلامی برهاند. مقابله با جمهوری اسلامی و کم کردن شر آن از روی سر جامعه و مقدرات زندگی امروز و نسلهای آینده وظیفه همه ما است و تنها به کردستان مربوط نمی شود.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن این دستگیری ها از احزاب سیاسی و تشکلهای سازمانهای آزادیخواه و اناساندوست می خواهد، بهر شیوه ای که برایشان ممکن است برای آزادی دستگیر شدگان اخیر در کردستان و کلیه زندانیان سیاسی تلاش کنند.

۱۰ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۹ ژانویه ۲۰۲۱

**"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده
کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که
در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان
سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی،
نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر
سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت
حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"**

منصور حکمت

اطلاعیه شماره ۲ کمیته کردستان حزب حکمتیست در مورد:

دستگیری‌های اخیر در کردستان

دست سرکوبگران از زندگی مردم کوتاه!

بدنبال موج دستگیری‌های وسیع که در اطلاعیه شماره ۱ به آن اشاره کردیم، طی هفته گذشته نیز هجوم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای دستگیری فعالین و جوانان در بیشتر شهرهای کردستان ادامه داشت. ماموران رژیم سرکوبگر اسلامی با زیرپا گذاشتن حریم خصوصی مردم و تفتیش منازل و محل کار آنها، با غارت وسایل شخصی و کارشان، همانطور که خصوصیت ضد انسانی همیشگی شان است، دگرباره نشان دادند که تا چه اندازه با جامعه و خواستههایش ضدیت دارند. اینها حتی بصورت فرمال هم قوانین و مقررات رژیم سرکوبگر خویش را رعایت نمی کنند. وحشت و نگرانی و گریه و فریاد خانواده و فرزندان حدود ۱۰۰ نفر از فعالین عرصه های مختلف در کردستان که جنایتکاران حتی اطلاع دادن از مکان و محل زندانی کردن آنها را هم از عزیزانشان دریغ کرده اند، البته شیوه آشنا و شناخته شده ۴۰ سال حاکمیت ددمنشانه جمهوری اسلامی در کردستان است.

اما اینبار هم بمانند صدها مورد پیشین این سوال همه جا در گردش است. چرا؟ هدف رژیم اسلامی از این دستگیری‌های وسیع چیست؟ ماموران سرکوبگر در این مورد چیزی نمی گویند و جوابی به خانواده وابستگان دستگیر شدگان نمی دهند. در واقع جوابی ندارند. اما مردم علت این تعرض ضد انسانی را می دانند. جامعه ای که چهل سال است در برابر موج کشتار و سرکوب ایستاده و سالهای وحشت و قدرقدرتی رژیم را تجربه کرده و زانو نزده است. رژیم هار اسلامی که خود واقف است که چه جنایاتی در کردستان مرتکب شده است، از برگشتن ورق و تعرض و انتقام مردم مبارز در کردستان می ترسد. از مقاومت چهل سالی می ترسد که هر روز و سال آن شهرهای کردستان میدان اعتراض زن بیحقوق و پایمال شده توسط قوانین ارتجاع مذهبی، جوان بیکار شده و بی آینده، فعال مدنی و مدافع محیط زیست، کارگر به فقر رانده شده و مادران داغدیده و مقاوم بوده است.

چهل سال است نتیجه سرکوبگری طبقاتی و ستم ملی، نابودی محیط زیست و به قهقرا بردن جامعه و به خاک سیاه نشانیدن زندگی دو نسل از کارگران و مردم زحمتکش اعم از زن و مرد و پیر و جوان و کودک، برای جمهوری اسلامی حاصلی غیر از تنفر جامعه از حکومت و موجی از همدردی و اتحاد در میان مردم کردستان علیه سرکوبگران نداشته است. جمهوری اسلامی در کردستان با یک جامعه حزبییت یافته روبرو است که در آن مبارزه متشکل و جمعی از هر گرایش سیاسی چپ و راست به یکی از سنت های آن در مقابله با سرکوبگریهای رژیم تبدیل شده است.

بخصوص در شرایطی که در سطح سراسری و به پهنای ایران این

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!

اهمیت اجتماع سراسری بازنشستگان

سعید یگانه

اجتماع اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران جان به لب رسیده در روز ۷ بهمن، رویدادی با اهمیت در ادامه اعتراضات آنها و در روند تحولات سیاسی رو به پیش جامعه ایران بود. در این روز، بازنشستگان مطابق فراخوان و وعده ای که داده بودند، در اعتراض به فقر و تورم و گرانی و زندگی فلاکتبار اقتصادی، تجمع های اعتراضی وسیعی را در تهران و تعداد زیادی از شهرهای ایران برگزار کردند و خواهان حقوق پایمال شده و رسیدگی به وضعیت فلاکتبار معیشتی خود شدند. شرکت کنندگان در این اجتماعات اعتراضی با شعارهایی از جمله "فریاد، فریاد - از این همه بیداد"، "گرانی و تورم، بالای جان مردم"، "تا حق خود نگیریم، از پای نمی نشینیم" و دهها شعار و مطالبه حق طلبانه دیگر در رابطه با معیشت و سلامت، اعتراض و ناراضیاتی خود را نسبت به فقر و فلاکت و بانیان وضع موجود به نمایش گذاشتند.

اعتراض و اجتماع بزرگ بازنشستگان و مستمری بگیران همزمان در چندین شهر به دلیل گستردگی آن بازتاب وسیعی در جامعه پیدا کرد و مورد استقبال قرار گرفت. این اعتراض وسیع و هماهنگ که با عظم و اراده ای قوی و سازمانیافته برگزار شد یکی از رویدادهای مهم این دوره در ادامه اعتراضات و اعتصابات کارگری بود که موجب خشنودی بسیار است و باید آنرا به سازماندهندگان و شرکت کنندگان آن تبریک گفت. حق طلبی بازنشستگان روز ۷ بهمن، نسبت به اوضاع نابسامان معیشتی خود، در عین حال، اعتراض و ناراضیاتی میلیونها کارگر و معلم و مردم فقر زده جامعه ایران است که از این زندگی جهنمی به تنگ آمده اند و بیوقه در واحدهای تولیدی و صنعتی، معادن، مراکز آموزشی و مدارس، در مقابل ادارات دولتی برای حقوق از دست رفته خود به اعتراض و اعتصاب روی آورده اند.

بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی بخش ضعیف تر و محروم تر طبقه کارگر هستند که هر روز فقیرتر می شوند و از این همه بیعدالتی به تنگ آمده اند. آنها که سالهای طولانی کار کردند به امید روزی که پیر شدند از امکاناتی برخوردار باشند و دغدغه معیشت نداشته باشند. در جامعه تحت حاکمیت جنایتکاران اسلامی، نه تنها از این خبرها نیست و اهمیت جدی نسبت به معیشت و زندگی آنان وجود ندارد، تازه برای تامین حداقلی از زندگی در سن پیری باید اعتراض کنند و بجنگند. علاوه بر این در شرایط کنونی جامعه ایران که بیکاری و فقر بیداد می کند، خانواده بازنشسته ها و مستمری بگیران ناچارند با وجود تنگناهای معیشتی، هزینه زندگی فرزندان بیکار خود را نیز تقبل کنند. هزاران دختر و پسر جوان تحصیلکرده، به دلیل بیکاری، ناچارند با خانواده خود زندگی کنند. بازنشسته ای که ماهی دو میلیون و هفتصد هزار تومان حقوق می گیرد، با تورم ۴۵ درصدی و گرانی سرسام آور و خط فقر ۱۰ میلیونی، چگونه می تواند زندگی کند و هزینه زندگی خود

و خانواده را تامین کند؟ آنها در شرایطی که هزینه مسکن نیز همزمان با تورم و گرانی بیوقه سیر صعودی دارد.

از هر زاویه ای به جامعه نگاه کنید، باید همه نابسامانیهای مردم را پای جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی و عده قلیلی سرمایه دار مفتخور گذاشت. جمهوری اسلامی حتی در دوره ای که شیوع



ویروس کرونا جان هزاران انسان را با خطر مرگ روبرو کرد، مسئولیتی به عهده نگرفت و رفتار و سیاستهای غیرانسانی اش تلفات سنگینی را به مردم تحمیل کرد. در ادامه شاهد بودیم که خامنه ای چگونه به بهانه ضدیت با آمریکا با زندگی مردم بازی کرد و تاکنون از خرید و تهیه یک واکسن معتبر خودداری کرده اند. در شرایطی که مردم برای نان شب محتاجند و از فقر و عدم امکانات بهداشتی و درمانی رنج می برند، فساد و دزدی و اختلاس از سر و کول جامعه بالا رفته و به سران و آقازاده ها و وابستگان پولهای هنگفت را می دزدند و به خارج کشور منتقل می کنند. بجای تامین معیشت مردم و واکسن، به تروریستها و وابستگان خود در عراق و لبنان و سوریه پول و دارو می فرستند.

مردم حق دارند و باید از رفاه و آسایش و سلامت برخوردار باشند. دولت، هر دولتی مادام که اسمش دولت است، موظف است که معیشت و واکسن و امکانات سلامتی مردم را تضمین کند. دشمنی جمهوری اسلامی با آمریکا و هرکسی به مردم ربط ندارد. مردم این دشمنی را نه خواسته اند و نه خواهان آن هستند. تولید موشک و بمب اتم را مردم سفارش نکرده اند تا امروز تنش میان جمهوری اسلامی و ارتش و سپاه با دولت آمریکا و موشک پرانی سپاه را امر خود بدانند. جمهوری اسلامی با سیاستهای مخرب و جنگ طلبانه در خارج مرزها و با سیاست سرکوب و تحمیل فقر در درون کشور، زندگی مردم را با مشکلات جدی روبرو کرده است. باید به این اوضاع نابسامان پایان داد. این کار مردمی است که به همه چیز این رژیم، به اقتصاد، به فرهنگ و به همه زوایای سیاستهای آن معترضند و آن را قبول ندارند.

انسانها سازنده آینده خود در هر مرحله از تاریخ زندگی خود هستند. مکانیزم هر تغییری ولو کوچک به این اعتبار خود مردم و تلاش و مبارزه آنان برای این تغییر است. جمهوری اسلامی زخمهای عمیقی بر پیکر و روان مردم ایران وارد کرده است و در تناقضی مهلک با جامعه ایران است. این تناقضات و زخمها روز به روز عمیق تر و زندگی اکثریت مردم را با مخاطرات جدی تر اقتصادی، اجتماعی و روانی روبرو خواهد کرده است. جامعه برای نجات خویش ناچار است و باید که از این شرایط عبور کند. به تحولی عمیق و دگرگون کننده بیش از هر زمان نیاز هست. اجتماع اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران در روز ۷ بهمن، گوشه ای از اعتراض برحق بخشی از ستمیگان جامعه و در امتداد تحولی است که می رود به این شرایط جهنمی پایان دهد.

۹ بهمن ۱۳۹۹

جنبش مجمع عمومی را دامن بزنیم و تقویت کنیم!

جامعه آزاد مقدسات ندارد!

رحمان حسین زاده

در دنیای امروز "مقدسات" و "احترام به مقدسات" به ابزاری علیه ابراز وجود آزادانه انسانها در ظرفیت فردی و جمعی تبدیل شده است. "مقدسات تراشی" نه صرفاً زاده "ایدئولوژی و عقاید آسمانی یا زمینی" بلکه متکی به منفعت زمینی طبقات استثمارگر در هر مقطع تاریخی و در دنیای معاصر در خدمت منفعت کاپیتالیسم که اساساً متکی به هویت سازی وارونه و جعلی مذهبی، ملی، نژادی، جنسی و عشیره ای دست ساز است. نظم حاکم سرمایه داری به تفرقه در صفوف طبقه کارگر و صفوف مردم آزادیخواه نیازمند است. ابزار ایجاد این تفرقه ها در تمام دنیا بیش از هر عامل دیگری، ابتدا تفرقه مذهبی و تفرقه ملی و قومی است. نظم حاکم هویت مذهبی و هویت قومی را ساخته و می تراشد و آنرا به خورد مردم می دهند که زمینه ای برای تفرقه ایجاد کنند. هیچ یک از شهروندان جامعه با هویت ملی و یا هویت مذهبی و نژادی و عشیره ای به دنیا نیامده است. ما به عنوان انسان و موجود انسانی پا به زندگی و حیات میگذاریم. به طور طبیعی در سرآغاز زندگی چیزی از هویتهایی که بعداً ساخته و پرداخته میشود و به گردنمان آویزان میکنند، نمیدانیم. اگر در محیط آزاد و انسانی بزرگ شویم و هویتهای کاذب را به تک تک ما انسانها تحمیل نکنند، با همان هویت مشترک انسانی و به دور از تعصب، حیات اجتماعی و سیاسی و آموزشی را طی میکنیم و سعی میکنیم سرنوشت خود را در دست بگیریم. اما جامعه طبقاتی و طبقه و افکار حاکمه نمیگذارد این روند طبیعی طی شود. از سن معین و جایی معین، از محیط خانواده تا مدرسه و جامعه در همه کشورها و در ایران هم، عمدتاً هویت ملی و یا مذهبی را به انسان عرضه می کنند و به او می آموزند که تو "روسی" یا "آمریکایی و چینی" شما "فارسی" یا "کردی" و "ترکی" و یا "شیعه" و "سنی" و "کاتولیک" هستی! از تکلم به زبانهای مختلف و از جمله فارسی و یا کردی و ترکی و عربی، پرچم سیاسی میسازند. براین اساس بحث اصلی ما کمونیست ها این است که این هویتهای مذهبی و قومی و جعلی یک معضل اساسی است و آنرا می سازند و بین مردم رواج می دهند، دسته بندی و بیگانگی و دوری انسانها از هم را تعریف می کنند و این مفاهیم را بعنوان "مقدسات" به جامعه ارائه می کنند، مشکلات اجتماعی و سیاسی جدی بر جوامع تحمیل میشود.

در ایران طی حاکمیت ۴۰ ساله جمهوری اسلامی شاهد تشدید انواع دسته بندی مذهبی و قومی بوده ایم و شکاف بین آنها تشدید شده است. در این دسته بندی ها تفرقه و کینه و نفرت هست. به خوبی بیاد دارم در مقطع سرنوشتی حکومت سلطنتی و انقلاب ۵۷ هویت قومی و هویت ملی به اندازه حال حاضر برجسته نبود. مردم خود را بیشتر هم سرنوشت و همگرا و نزدیک به هم می دانستند. در ۴۰ سال گذشته این شکافها را تشدید کردند و این هویت ها را گسترش دادند و بر گردن مردم آویختند و این چاشنی کشمکش و مطرح کردن شعارهای ارتجاعی در مقابل هم است. طنز تلخ قضیه این است که این هویتهای کاذب را به عنوان "مقدسات" به خورد جامعه می دهند. یکی هویت مذهبی برایش "مقدس" می شود، یکی هویت ملی و دیگری خاک و سرزمین و محدوده جغرافیایی که در آن زندگی می کند و دیگری شهرش برایش "مقدس" می شود. در چهارچوب این هویتها و دسته بندی های جعلی و

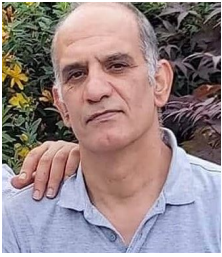
"مقدسات" ساخته شده نمی توان قدم برداشت. هر حرکتی را "برخی" به عنوان توهین به دیگری حساب میکنند و مینای کشمکش و جدال و خونریزی می شود و شده است. دنیا را نگاه کنید و در همین اروپا و در این فضای نسبتاً آزادتر، کاریکاتوری از محمد رهبر مسلمانان کشیدند، بعد انواع تهدیدها و کشمکشها در این



کشورها، به بهانه "توهین به مقدسات مسلمانان" در دانمارک و هلند پیش آمد و جریانات اسلامی به میدان آمدند و شاخ و شانه کشیدند. چند سال قبل تروریستهای اسلامی با بهانه مشابه به دفتر تحریریه شارلی ابدو حمله کردند و متأسفانه دوازده نفر از کارکنان آنرا را کشتند. در این شرایط در مورد هر مسأله ای صحبت کنیم به "مقدسات" عده ای توهین شده است. کاریکاتور پیامبر کشیدن توهین به "مقدسات" عده ای است. طنز و نقد شاهان ستمگر ایران توهین به "مقدسات" ناسیونالیسم ایرانی است. صحبت درباره بند و بست سران ناسیونالیسم کرد توهین به "کردها" است. طنز ترکی گفتن توهین به "ترک"هاست. در این دنیای "مقدسات" چیزی که اسارت پیدا می کند تحرک و تپش جامعه و انسان است. در این فضای مسموم، نقد و کاریکاتور کشیدن، جوک گفتن، طنز، تئاتر و فیلم و نقد و هجو کردن سمبلهای مختلف موجود در جوامع به فاجعه تبدیل می شود. در جامعه هارمونیک و نرمال و آزاد، زمانی که این "هویتهای کاذب مقدس" وجود نداشته باشد همه خود را براساس هویت انسانی تعریف می کنند. در این شرایط اگر کسی، طنزی گفت کسی آن را به خود نمی گیرد و همه اینها بعنوان تفریحات شنیده می شود و جامعه هم این را می پذیرد. در نتیجه هویت قومی و هویت مذهبی، هویتهای کاذب و جعلی است که آنها را ساخته اند و به "مقدسات" تبدیل کرده اند تا تفرقه را بین مردم گسترش بدهند.

باید اعلام کرد "مقدسات" نداریم. جامعه ای میتواند آزاد و ایمن باشد که اعلام کند "مقدسات" ندارد. داده های اجتماع را اعم از واقعی یا غیر واقعی در هاله ای از تقدس نیچد و دور آنها خط قرمز نکشد. هر پدیده اجتماعی و فرهنگی و مذهبی و سیاسی را قابل نقد، طنز، هجو و جوک بداند، حول کدها و سمبلهای ظاهراً "مقدس" خط قرمزی وجود ندارد و با رساترین شیوه باید مورد نقد و هجو و طنز قرار بگیرند و طبعاً مدافعین این خرافه ها به جای نفرت پراکنی و ایجاد تفرقه و تهدید فردی و جمعی در همان ظرفیت سیاسی و فرهنگی و گفتاری و نوشتاری پاسخ دهند. جامعه آزاد جامعه ایست که تحمل شنیدترین حرفها و پاسخ به آن را به دور از تهدید فیزیکی و ایجاد نفرت داشته باشد. پیش شرط اینکار منسوخ اعلام کردن "مقدسات" و مضموم اعلام شدن هر نوع نفرت پراکنی، تهدیدات فیزیکی به بهانه "مقدسات" است.

نکته آخر مرز بین توهین و افترا را باید شناخت و به درستی از هم تشخیص داد. افترا به فرد حقیقی و حقوقی ممنوع است و هر قانون نسبتاً پیشرو در دفاع از حرمت شهروندان آنرا ممنوع و قابل تعقیب میداند. اما به بهانه توهین نمیتوان و نباید دامنه ابراز وجود اجتماعی و سیاسی انسانها را قالب زد و محدود کرد. اگر داعیه "مقدسات" و سپس توهین را با روایت مذهبیون و ملی گرایان و ناسیونالیستها بپذیریم، آنوقت باید دهن همه مردم را ببندیم. چون به زعم آنها هر نقد و طنز و حرف و اظهار نظر کسی میتواند توهین به "مقدسات" دیگری تلقی شود. این رفتار و نگرش را نیروهای پیشرو اجتماعی و کمونیستها باید به خودآگاهی توده وسیع شهروندان جامعه تبدیل کنند، نه اینکه خود به توجیه گر "مقدسات" و هویتهای کاذب و توهین به آنها" تبدیل شوند.*



حمایت اخلاف آنها، مجمع عمومی را قلع و قمع و نمایندگانش از جمله اسماعیل را اخراج، دستگیر و شکنجه کردند. داستان پرفراز و نشیب هفت تپه را اکنون دیگر نه فقط توده تولید کننده در ایران که پرولتاریای بسیاری کشورها نیز می دانند. "پایتخت اعتصاب جهان" اما هنوز یک لحظه آرام ندارد و همچنان می خروشد.

جنگ است اسماعیل،

نفت از کنار حجره ها بالا می آید

جاوید حکیمی

و حالا کارگران نفت با خواست پایان دادن به چپاول و دزدی ها تحت عنوان خصوصی سازی به یاری همسنگرانشان در فولاد و هفت تپه آمده اند. می گویند دست پیمانکاران با قراردادهای تحمیلی و برده وارشان کوتاه! می گویند واگذاری صنایع دولتی به شرکت های خصوصی و از بین رفتن امنیت شغلی موقوف! می گویند نادیده گرفتن ابتدایی ترین حقوق کارگران در مناطق ویژه اقتصادی ممنوع! تجمع چهارم بهمن کارگران نفت و نیز بازنشستگان در هفتم بهمن ماه، ادامه اعتراضات فولاد و هفت تپه و پاسخی است به فراخوان یاری آنان از جامعه. مگر نه اینست که ما یک طبقه واحدیم با خواستها و منافع مشترک!

هنوز این گفته اسماعیل آتش به جان تمام انسانهای شریف می زند که گفت؛ چهار کارگر به خاطر یک و دویست خودشان را آتش زدند؛ لعنت به این زندگی! این زندگی لعنتی را آنها به کل توده کارکن جامعه از جمله کارگران شاغل در بخش صنعت نفت نیز تحمیل کرده اند. خرداد ماه سال جاری، یک کارگر نفت کنار چاههای هویزه خودکشی کرد به خاطر عدم پرداخت دستمزد و رد تقاضای فقط پانصد هزار تومان مساعده. آیا آنها نیز نباید همچون اسماعیل بغض در گلو فریاد بزنند لعنت به این زندگی؟ همان روز و در همان منطقه زرخیز، کارگر دیگری نیز اقدام به خودکشی کرد که گفتند خوشبختانه نجات یافته است. چه خوشبختی غم انگیزی! آیا نباید گفت لعنت به این خوشبختی!

کارگران باید یک زندگی متناسب با شأن و کرامت انسانی داشته باشند. هیچ کارگری نباید کمتر از ده میلیون تومان حقوق بگیرد. این نیز یک مطالبه به حق و بشدت انسانی کارگران نفت در اجتماع چهارم بهمن ماه بود. وقتی می گوئیم رفاه و رهایی کارگر، رفاه و آزادی تمام بشریت است، وقتی می گوئیم طبقه کارگر نمی تواند آزاد گردد مگر آنکه تمام جامعه را آزاد نماید یعنی همین.

تجمع چهار بهمن در عین حال ادامه اعتصاب بیست و پنج هزار نفره مردادماه بود. حکومت آن اعتصاب را با وعده و وعید و این تجمع را با هجوم و سرکوب پاسخ داد.

در مقابل یورش بورژوازی به پرولتاریا آنچه اکنون ما باید انجام دهیم تلاش برای ایجاد همبستگی طبقاتی میان بخشهای مختلف کارگران و مردم زحمتکش جامعه است. این اتحاد و یگانگی از جمله با اتخاذ تاکتیک مناسب و دقیق و انتخاب شعارهای توده گیر میسر می شود. اگر ما بتوانیم خواست لغو خصوصی سازی را به سیاست تاکتیکی غالب در میان کارگران صنعت نفت نیز تبدیل کنیم، نه فقط بخش خصوصی که تمام حکومت را در ضعیف ترین حلقه خود به مصاف طلبیده ایم. آنها که مدام ساز بد آهنگ مخالفت با تکروی را می نوازند، به جای نق زدن به جان اسماعیل، خوب است به فکر یافتن اسماعیل های

کارگران صنعتی گورکنان بورژوازی اند و کارگران نفت توانمندترین طیف این گورکنان. بدا به حال دولت متکی به نفت اگر کارگران نفت متحد و متشکل گردند، به میدان بیایند و خیابان را تصرف کنند. از میان بیشمار اخبار ریز و درشت و اغلب ناخوشایندی که بیوقفه مانند بمب برسرمان فرود می آید، هفته گذشته یک خبر، برای دو طبقه در حال جدال، بی نهایت حائز اهمیت بود؛ تجمع کارگران نفت. شنبه چهارم بهمن ماه حدود هشتصد تن از کارگران رسمی و پیمانی نفت در تهران مقابل وزارت نفت اجتماع کردند.

حکومت در هراس از شکل گیری و گسترش تجمع، فرمان هجوم را حتی پیش از استقرار پیشقراولان کارگران و باز کردن بنرهایشان، صادر کرده بود. سرکوبگران سیراب شده از دسترنج کارگر، به پنجاه نفر از کارگران به صرف حضور زودتر در محل و بی آنکه هنوز لب به اعتراض بکشایند، با خشونت حمله کردند. جنگ و گریزی از ابتدا آغاز شد و در نهایت توانستند دوازده تن از کارگران را دستگیر و تا عصر اینروز در بازداشتگاههای کلانتری زندانی کنند. جنگ طبقاتی یعنی همین. قوای سرکوبگر موظف به پراکندن پرولتاریاست پیش از آنکه متحد شوند، تجمع کنند و اعتراضشان را به گوش جامعه برسانند. برغم تمام این بگیر و ببندها، چنانکه گفته شد، کارگران موفق شدند در یک اجتماع هشتصد نفره به حکومت اخطار دهند و به همسنگرانشان در هفت تپه این پیام را منتقل نمایند؛ اسماعیل، اینجا هم جنگ است، هفت تپه، تو تنها نیستی.

چنانکه می دانیم حکومت اسلامی به إذن "آقا" و به امر اربابان جهانی، پروژه خصوصی کردن اقتصاد، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و سایر عرصه های زندگی اجتماعی را در دستور کار قرار داده است. مطابق این پروژه جهانی، آن بخش از دولت که متعهد به تامین حداقل رفاه اجتماعی برای آحاد جامعه و طبقه تولید کننده است کوچک می شود و بخش مختص به دفاع از سیستم و سرکوب مخالفین از کمونیست ها گرفته تا هر جنبه معترضی، تقویت می گردد. در این شکل ویژه حاکمیت بورژوایی، از تاجر و ریگان گرفته تا پینوشه و خامنه ای، استراتژیکی یک سیاست دارند و آن تبدیل کارگر مدرن به بردگان عصر یونان باستان است؛ تاکتیک ها صد البته متناسب با مختصات مکانی و زمانی متفاوت و درجه اعمال خشونت در این روند تابعی از مشخصات سرمایه داری در این کشورهاست.

هفت تپه از جمله جایی بود که کشتی جهانی خصوصی سازی با اهداف فوق الذکر به صخره سخت و سنگین تشکل مجمع عمومی کارگران برخورد کرد و به گل نشست. نمایندگان منتخب مجمع عمومی پس از اثبات غیر قابل انکار آن همه فساد آشکار و تباهی تولید گفتند؛ اگر دولت نمی تواند و شایستگی اداره شرکت را ندارد ما خودمان کارخانه را مدیریت می کنیم. بورژوازی اسلامی هم سنخ تاجر و ریگان و مورد

اطلاعیه مشترک

دستگیری های گسترده در کردستان، ضرورت اقدام جمعی بر علیه آن!

در کنار اعتصابات و اعتراضات کارگری برای مطالبات روزمره، در سراسر ایران، فعالین کارگری، دانشجویان، زنان مبارز، روشنفکران و هنرمندان پیشرو، وکلای دادگستری و فعالان محیط زیست، جسورانه، آشکارا در برابر رژیم ددمنش سینه سپر می کنند و رنج دستگیری، زندان و شکنجه را بر خود هموار می سازند، اما از پای نمی نشینند. جمهوری اسلامی به عتبت میکوشد با اینگونه اقدامات، جامعه بیدار شده ایران را خاموش سازد.

باید جلو گسترش موج این دستگیری ها را سد کرد و همزمان به یاری جوانان در بند جمهوری اسلامی شتافت. ناپستی اجازه داد انسان هایی که به خاطر فعالیت های مدنی، به دلیل دفاع از عقاید و باورهایشان، به خاطر اعتراض به نابرابری و تبعیض، یا حتی بدون دلیل و تنها به خاطر مرعوب ساختن دیگران، به زندان افتاده اند، خود را تنها احساس کنند. پژواک صدای اعتراض مردم در بیرون زندان ها، نیروی مقاومت و اراده زندانیان سیاسی در پشت میله های زندان را صد چندان خواهد کرد. ضروری است خواست آزادی فوری همه دستگیرشدگان روزهای اخیر و آزادی کلیه زندانیان سیاسی، به خواستی توده گیر تبدیل شود. در این روزها بویژه ضروری است که خانواده های دستگیرشدگان را تنها نگذاریم. در اعتراض آنها به دستگیری ها و در تلاش آنها برای کسب اطلاع از سرنوشت عزیزانشان شریک شویم. در خارج کشور نیز باید با انجام اقداماتی که با شرایط شیوع کرونا امکان پذیر باشد، جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری بازداشت شدگان، تحت فشار بگذاریم. جریانات سیاسی ترقی خواه، اتحادیه های کارگری، شخصیت ها و چهره های خوشنام بین المللی، فعالان حقوق بشر می توانند در متن یک کمپین سراسری با ما همراه شوند.

کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط آزاد باید گردند!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۵ ژانویه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

جنگ است اسماعیل،

نفت از کنار حجره ها بالا می آید ...

صنعت نفت باشند؛ به جای سخنان انتزاعی و ملال انگیز در باب علی السویه بودن خصوصی- دولتی خوب است به فکر محکم تر کردن صفوف کارگران باشند. این تصور که با متوقف ساختن پروژه خصوصی سازی و خلع ید از پیمانکاران و آفازاده ها، کارگران دوباره به استبداد دولت گردن می نهند واقعی نیست. تمام شواهد حاکی از گسترش روحیه تعرض و آمادگی کل طبقه کارگر برای هجوم به کل حکومت است. پس از هفت تپه و فولاد، اکنون کارگران نفت برای خلع ید از خلع ید کنندگان به میدان آمده است. برآستی که تمام جامعه آماده جنگ است اسماعیل.

۲۸ ژانویه ۲۰۲۱

طی دو هفته اخیر موج جدیدی از دستگیری فعالین سیاسی و اجتماعی در شهرهای کردستان توسط اداره اطلاعات رژیم براه افتاده و همچنان ادامه دارد. طبق گزارش ها تاکنون آمار دستگیرشدگان به ۱۰۰ تن رسیده است. دستگیری ها همراه با خشونت صورت گرفته و وسائل شخصی آنها از جمله لپ تاپ و موبایل و غیره ضبط شده است.

دستگیرشدگان ساکن شهرهای مهاباد، بوکان، مریوان، سنندج، ربط، سردشت، سروآباد، پیرانشهر، نقده و... هستند و رژیم تاکنون هیچ دلیلی برای این بازداشت ها و محل نگهداری افراد بازداشت شده ارائه نکرده است. خانواده های دستگیرشدگان از سرنوشت و از محل نگهداری عزیزانشان بی خبر هستند.

این اقدامات در ادامه سیاست ارباب و تهدید رژیم در سراسر ایران، همزمان با اعدام ها و تشدید فشار در زندان ها بر فعالین سیاسی و اجتماعی، صدور احکام طولانی مدت برای بازداشت شدگان سیاسی در بیدادگاه های رژیم است.

در مورد موج دستگیری های اخیر در کردستان، رژیم سکوت اختیار کرده و از هرگونه اطلاع رسانی سر باز می زند. اما واقعیت این است که دلیل این دستگیری ها، صرف نظر از هر سناریویی که رژیم در حال سرهم بندی کردن آن باشد، از جمله اقدامات پیشگیرانه در برابر خطر به حرکت درآمدن امواج اعتراضات و نارضایتی های مردمی است. جمهوری اسلامی می داند که کردستان به دلایل مختلف یکی از کانون های فوران خشم و نفرت توده های مردم معترض خواهد بود، از این رو به خیال خود می خواهد دست پیش بگیرد. به سراغ جوانان پر شور، فعالین و چهره های سرشناس جنبش های اجتماعی و حتی شهروندان عادی می رود و به بهانه های واهی آنها را بازداشت می کند، تا از این طریق فضای ترس و سکوت را بر جامعه حاکم سازد. مبارزات سیاسی و اجتماعی در کردستان، طی سال های اخیر علیرغم تهدیدها و بگیر و ببندها روندی رو به رشد داشته است و همین واقعیت در شرایط کنونی رژیم را بیش از پیش نگران کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی به دلیل جنایات ۴۲ ساله اش، به دلیل به قهقرا بردن جامعه ایران و به دلیل تشدید مصائب جامعه سرمایه داری، بیکاری، فقر، اعتیاد و دهها آسیب اجتماعی دیگر، مورد نفرت توده های مردم است و چنین رژیمی جز با سرکوب و کشتار امکان بقا ندارد. این رژیم که از سایه خود نیز می ترسد، می داند که در چه محاصره ای از بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گرفتار شده است. این رژیم از خشم انباشته شده مردم آگاه است و می داند که چگونه کارد را به استخوان مردم رسانده است. با فروکش کردن بحران کرونا، رژیم انفجار این خشم را انتظار می کشد، از این رو با تشدید فضای امنیتی تلاش می کند وقوع آنرا به عقب بیاورد. اما این تلاش ها دیگر بی فایده است. امروز



قطعه نامه تجمع ۷ بهمن گروه اتحاد بازنشستگان

گسترده تر شدن فقر و فلاکت در جامعه، بنیان های زندگی بازنشستگان را همچون سایر اقشار زحمتکش به سوی فروپاشی کشانده است. تبعیض و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی فاصله میان اکثریت زحمتکش جامعه با ثروتمندان و صاحبان قدرت را به شکل عریانی نشان می دهد. این تضادها و تفاوت ها موجب گردیده است که بازنشستگان نیز از این مناسبات رنج برده و نارضایتی خود را به شکل تجمع های مکرر اعلام نموده و به بیان خواست های خود بپردازند.

دولت ها بدون هیچ مشکلی قادر به اصلاح و افزایش حقوق ها هستند؛ همچنانکه برای پرداخت چندین برابری حقوق "مدیران و سرپرستان" هیچ محدودیتی ندارند و حتی برای افزایش چند برابری حقوق آنها الزام قانونی تصویب کرده اند. بازنشستگان باید بتوانند راه خروج از فقر و فلاکتی که بر زندگی شان سایه انداخته است را از طریق مبارزه هموار ساخته و سطح زندگی خود را متناسب با رفاه متوسط جامعه ارتقا دهند.

شفاف سازی وضعیت صندوق های بازنشستگی باید صورت گیرد و اموال غارت شده که سرمایه های متعلق به بازنشستگان است باید به بازنشستگان باز گردانده شود.

بر اساس تبصره یک ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی، کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان آور مشغول به کار هستند، با ۲۰ سال سابقه بیمه می توانند بازنشسته شوند. کارفرما موظف است که در هنگام بازنشستگی کارگران مشاغل سخت و زیان آور، سهم ۴ درصدی خود را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

کارگران مشاغل سخت و زیان آور در دوران اشتغال خود شرایط سختی را تجربه می کنند و ماهیت کار آن ها به معنای واقعی سخت و زیان آور است.

آزادی تجمع، تشکل مستقل، آزادی بیان، اعتصاب فارغ از شرایط امنیتی حق همه بازنشستگان می باشد.

۷ بهمن ماه ۱۳۹۹

گروه اتحاد بازنشستگان

ناتوانی در تأمین هزینه های زندگی و پایین بودن سطح حقوق و مستمری و وجود تبعیض های گوناگون، نیروهای بازنشسته را به صف معترضان پی گیر جامعه کشانده است. برآیند این اعتراضات، از جمله تجمع های متعددی می باشد که بازنشستگان برای رساندن صدای خود در مقابل نهادهای رسمی مختلف برپا می دارند. تجمع های خیابانی نشان دهنده عملی اجتماعی است که بر پیگیری و تلاش بالفعل آنها برای تغییر اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دلالت دارد. بازنشستگان برای نتیجه بخش بودن و تأثیری گذاری بیشتر این تجمعات، باید تلاش کنند تشکل های فراگیر و مستقل خود را ایجاد نمایند و با تدوین خواست های خود بر پایه یک منشور مشترک، همبستگی و اشکال اعتراضات خود را نیز ارتقاء داده، به سمت ایجاد وحدت و تشکل فراگیر که اساساً ابزار مبارزه برای خواست های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی خود می باشند، پیش بروند.

بازنشستگان نباید پس از پایان دوره اشتغال خود دغدغه تأمین هزینه زندگی - هزینه مسکن و درمان، بهداشت، پوشاک، مسافرت و تحصیل فرزندان خود - داشته باشند.

مستمری و حقوق بازنشستگی باید هزینه زندگی خانواده شان را تأمین کند. تورم و گرانی روز افزون بازنشستگان را برای تهیه هزینه های زندگی در تنگنا قرار داده است. به همین منظور برای تأمین هزینه های زندگی، بازنشستگان نباید از حقوق و مستمری کمتر از ۱۲ میلیون تومان در ماه برخوردار باشد.

داشتن بیمه همگانی و درمان رایگان جزء حقوق اولیه همه بازنشستگان است. اداره و نظارت بر صندوق های بازنشستگی که سرمایه گذاری و اندوخته خود بازنشستگان می باشد، از طریق منتخب اعضای صندوق ها و سازمان تامین اجتماعی، توسط بازنشستگان و نیروهای شاغل باید انجام شود.

بازنشستگان معترض نباید تحت هیچ گونه فشارهای امنیتی، پیگرد پلیسی و قضائی قرار بگیرند.

اجرای همسان سازی واقعی حقوق ها خواسته بازنشستگان می باشد. پیش از هر نوع همسان سازی، حقوق ها باید تا سطح ۱۲ میلیون تومان برای همه بازنشستگان اعمال شود.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه

جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها

را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

قطعنامه تجمع بازنشستگان در تبریز در ۷ بهمن

این تجمع اعتراضی باحمله وحشیانه نیروی انتظامی مواجه شد

در این تجمعات شعارها (به دو زبان ترکی و فارسی) و پارچه نوشته هایی نظیر «گرانی، تورم، بلای جان مردم»، «وعده وعید کافیه، سفره هامون خالی»، «وسط خیابون، به دست میاد حق مون»، «تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم»، «شعارمان این زمان، معیشت است و درمان»، به چشم می خورد و در شعارها تکرار می شد.

خواسته اصلی بازنشستگان:

-اصلاح متناسب سازی از ابتدای سال ۱۳۹۹ بر اساس افزایش نسبت همسان سازی بازنشستگان کشوری و لشکری از محل تنم ۳۳ هزار میلیارد تومان و اضافه کردن بر پایه حقوق مستمری در حکم بازنشستگان

-دائمی نمودن قانون متناسب سازی در احکام و فیش حقوقی بازنشستگان

۱- براساس ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی، درصد افزایش حقوق بازنشستگان باید یکسان بوده و هریک از این بازنشسته ها به تناسب پرداخت حق بیمه از افزایش حقوق برخوردار شوند؛ سازمان تامین اجتماعی تا قبل از پایان سال ۱۳۹۹ مکلف به افزایش و ترمیم عقب ماندگی حقوق بازنشستگان همتر از با نرخ تورم و افزایش هزینه های زندگی و خط فقر است که الان به ده میلیون تومان رسیده است از ابتدای سال ۱۳۹۹ می باشد.

۲- سازمان تامین اجتماعی طبق ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی مسئول تامین درمان کامل بازنشستگان بیمه پرداز اجباری به طور مستقیم است و ما خواهان اجرایی شدن این ماده قانونی هستیم.

۳- ما خواهان اجرای بند (ب) ماده ۱۲ برنامه ششم توسعه اقتصادی هستیم که سازمان تامین اجتماعی را مکلف به متناسب سازی حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران بر اساس افزایش هزینه زندگی و همانند بازنشستگان کشوری و لشکری می نماید می باشیم.

۴- ما خواهان رفع تبعیض بین بازنشستگان همکار و غیرهمکار سازمان تامین اجتماعی و لغو ماده ۶۹ آیین نامه استخدامی سازمان تامین هستیم.

۵- ما خواهان پرداخت عیدی برابر با شاغلین کارگری به میزان ۲ ماه مستمری به بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی هستیم.

۶- سازمان تامین اجتماعی مسئول اجرای وظایف حمایتی و دولتی از گروه های حمایتی نمی باشد. و باید هزینه های حمایتی از گروه های حمایتی را از دولت اخذ نماید و نباید از دسترنج بازنشستگان و شاغلان بیمه پرداز برای گروه های حمایتی هزینه گردد. لذا لازم است از این



گونه اهمال کاری ها جلوگیری شود.

۷- سازمان تامین اجتماعی موظف است به وضعیت از کار افتادگان و مستمری بگیرانی که در شرایط سخت مالی بسر می برند و توان اداره امور خود و انجام شغل دیگری را ندارند رسیدگی نموده و مشکل معیشتی و بیمه آنها را حل نماید.

۸- با اینکه در آذر ماه وعده داده شده بود که افزایش مستمری مشاغل سخت و زیان آور بابت ۴ درصد پرداختی، انجام می شود اما اینکار صورت نگرفته و میبایست که بابت مشاغل سخت و زیان آور این افزایش صورت بگیرد.

۹- ما خواهان اجرای بند ج ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پرداخت حق منطقه جنگی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در مناطق جنگی هستیم.

در پایان بر دو نکته می خواهیم تاکید کنیم:

یکم: هر گونه اظهار نظر غیرکارشناسانه و غیرقانونی از جانب برخی مسئولین و یا مجریان صداوسیما در مورد حقوق بازنشستگان را محکوم کرده و از آنها می خواهیم در بیان مطالب دقت نظر لازم را مبذول کنند.

دوم: در صورتی که به خواسته های فوق ترتیب اثر داده نشود حق تجمع و اعتراض مجدد برای بازنشستگان و مستمری بگیران محفوظ است.

اعدام قتل عمد دولتی است!

فولادی های قهرمان امروز توطئه مدیریت را خنثی کردند!

دروود بر رزم و اتحاد کارگران گروه ملی فولاد



به نقل از؛ صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد

گزارش تجمع امروز در گروه ملی

به دنبال فراخوانی که دیشب از طرف عوامل وابسته به کارفرما منتشر میشود، امروز صبح هشتم بهمن تعدادی از نیروهای طرفدار مدیران خلع شده، با بنر حمایت از یوسفی و شعار «مرگ بر فتنه گر» مقابل تالار روابط عمومی تجمع میکنند.

ماجرای این قرار است که مدیران شرکت شفق و روابط عمومی شرکت پس از بیرون کردن مدیران فاسد، برای سیصد نفر از پرسنل که اخیراً از سوی شرکت شفق و به طور مشکوک استخدام شده اند، با محتوای حمایت از مدیران اخراجی پیامک میفرستد و آنان را برای تجمع دعوت میکند! اما با آغاز این تجمع فرمایشی که تعدادی از سرپرست ها هم مبلغ آن بودند، معلوم میشود مهم ترین هدف این تجمع برگرداندن یوسفی و همدستانش به شرکت نیست، بلکه هدف اساسی مقابله با حرکت اعتراضی کارگران مستقل و باغیرت شرکت بوده است. توطئه ای که البته با هوشیاری و حضور به موقع جمعیت بزرگتری از کارگران آگاه خنثی شد.

اخراج مدیران فاسد، انتقادات صریح خود را درباره نحوه مدیریت ناکارآمد بیان میکنند و تمام کارگران را به جای حمایت از یوسفی و مدیریت، به «حمایت از تولید و بقای کارخانه زیر نظر کارگران» ترغیب میکنند. این اتفاقات در نهایت به اتحاد بیشتر صفوف کارگران تبدیل شد به طوری که در نهایت شمار کثیری از آن گروه که حامی یوسفی شده بودند، اظهار پشیمانی و ناآگاهی نموده و با علنی شدن فسادها و تخلفات مدیریت، منافع تمام پرسنل را در یک جناح دیدند.

خسته نباشید و درود به همکاران باشرف و آگاه گروه ملی فولاد.

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد-آدرس کانال

<https://t.me/sedayemostaghelfolad>

تماس با کانال:

<https://t.me/sedayefolad>



شرح حال: عوامل کارفرمایی و امنیتی برای ایجاد تفرقه میان کارگران از نیروهای تازه استخدامی سو استفاده میکنند. در پیامک فراخوان به این نیروها وعده داده شد که اگر برای حمایت از نادر یوسفی تجمع کنید، وضعیتتان از قراردادی با شرکت شفق به قرارداد با گروه ملی تبدیل خواهد شد. این بار دوم است که عوامل مدیریتی شرکت که وابسته به ادارات فاسد دولتی و نظامی هستند، مانند اجرای انتخابات فرمایشی شورای اسلامی کار، برای تضعیف حقوق کارگران توطئه چینی میکنند. برای این تجمع حتی پای نیروی انتظامی را هم به شرکت باز میکنند تا امنیت حامیان فساد و مافیای نیز تامین شود. به نظر میرسد نیروهای استخدامی به دلیل وضعیت ناامن شغلی گروگان گرفته شده اند تا در مواقع حساس و برای بیان مواضع مافیای و کارفرما از آنها رونمایی شود. اما این بار هم این برنامه ضدکارگری با سر به زمین خورد و کارگران مستقل در پی فراخوان دیشب مدیران شرکت، امروز در همان محوطه تجمع گسترده تری انجام میدهند و فضای متشنج و تفرقه انداز را به مکالمه و گفتگو تغییر شکل میدهند! بدین ترتیب که نماینده هایی از هر دو جناح تجمع به نوبت صحبت هایشان را در میان تمام کارگران در میدان روبروی تالار بیان میکنند.

در حقیقت، پرسنل شریف گروه ملی با در نظر گرفتن منافع مشترک کاری، صدای دروغین نیروهای حامی یوسفی را خاموش کردند و تریبون آزاد را به وجود آوردند. در میان ارائه دیدگاه ها، اسناد تازه ای از تخلفات درون شرکت رو میشود که به پول های در گردش مربوط است که به چرخه کار نیامده. همچنین طیف مستقل کارگران با تایید

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سرمدیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سرمدیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونست

زنده باد سوسیالیسم!